

(من هنوز زنده ام)

من زنده ام
برای اینکه زنده بودن را دوست دارم
برای اینکه زنده بودن را دوست داشتم
و اگر نه ...
ای عنکبوت بی مقدار...
سالها پیش در جاله ای تو مرده بودم.
سالها پیش...
آری!
آن زمانی که "یک را با یک برابر" میگفتم
و "شب" را در خفقان جال سیاه تو
چو شیر سفید!
آری ...
ای عنکبوت سیاه،
آن زمان که هنوز یاد نداشتم بگویم
"دیگر بس است!"
آن زمان که هنوز...
لبریز نشده بودم
از خفقانی خاموش مرداب.
آن زمان که هنوز جاداشتم تا فردایش بار دیگر خفه شوم!
آن زمان که هر روز میمردم و هر شب میمردم
لیک هر سپیده دم بار دیگر زاده میشدم
تا با تار های فولادی تو سختتر بپیچم

آه، ای عنكبوت كثيف
كه چو برادر تنى ات "ارتجاع"
سخت بدشكل و بد هيبتى.
و چو پدرت "امپرياليزيم"
خونخوار و درنده.
من هنوز زنده ام .
و هنوز نفس ميكشم .
و هنوز پيراهن سرخ بر تن ميكنم .
و شاد مانانه ميرقصم .
چون من "آزادى ام"!
(سوما كاويانى)
2012/04/11

